PV!

ارائه کلاسی به سبک سخنران‌ها

توضیح‌دادن موضوعی برای دیگران، کار راحتی نیست؛ خبر بد این که حالا حالاها هم دست از سرتون برنمی‌داره و توی دانشگاه هم بعضی از استادها تدریس یک‌سری مباحث رو به دانشجوها می‌سپرن. پس چاره‌ای نیست جز یادگرفتن اصول یک ارائه خوب که به چیزی بیشتر از جذابیت موضوع و مسلط بودن، نیاز داره. بزرگ‌ترین اشتباه بچه‌ها موقع ارائه دادن یک مبحث اینه که فکر می‌کنن باید کلمه‌به‌کلمه مطلب رو حفظ کنن و عینا همون‌طوری به بقیه منتقلش کنن. نتیجه چی میشه؟ خمیازه‌های پی‌درپی شنونده‌ها! توفقط لازم داری، مطلب رو خوب خوب بفهمی و به زبون آدمیزاد، همون زبونی که با دوست‌هات صحبت می‌کنی، توضیحش بدی. اگه بتونی از کتاب‌های دیگه و منابع درست اینترنتی، مطالب و مثال‌هایی اضافه بر چیزی که توی کتاب نوشته، دست‌وپا کنی که دیگه عالیه؛ با این کار هم خودت بهتر درس رو می‌فهمی، هم دوست‌هات. تا حالا به رفتار سخنران‌های حرفه‌ای که دیگران رو تحت تأثیر قرار میدن، دقت کردی؟ اون‌ها به‌جای زل‌زدن به یکی از شنونده‌ها یا کفِ زمین، با همه ارتباط چشمی برقرار می‌کنن؛ صداشون رو بسته به اهمیت مطلب، بالا و پایین می‌برن؛ یه‌جا سیخ نمی‌ایستن اما مدام هم‌وول نمی‌خورن و از حرکت دست‌هاشون برای فهموندن مطلب کمک می‌گیرن. یه پیشنهاد کاری دیگه هم دارم برات؛ برای این که دوست‌هات چرت نزنن، با سوال پرسیدن از شون، اون‌ها رو با خودت همراه کن.

نوجوان‌های عزیز، سلام!
حالتون چطوره؟ خبر دارین امروز توی تقویم به چه اسمی نام‌گذاری شده؟ روز «کتاب و کتاب‌خوانی». مناسبت به این قشنگی و باحالی وقتی قشنگ‌تر و باحال‌تر میشه که یه رنگ‌وبویی از کتاب بهش بدیم. مثلا می‌تونین یکی از کتاب‌های خوب‌تون رو به دوست عزیزی امانت بدین یا می‌تونین سری به کتاب‌فروشی نزدیک خونه بزنین و خودتون رو به یه ماجراجویی تازه مهمون کنین. اگه هم تا حالا به رفاقت با کتاب‌ها فکر نکردین، امروز فرصت خوبیه؛ دنیای جذابی لابه‌لای ورق‌های کتاب‌ها مخفی شده که خیلی راحت می‌تونین بهش قدم بذارین.

شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۶۳۴۰۰۰

#حال-خوب

بهنام ۱۵ ساله میگه: «حال خوب یعنی ورزش کردن. من وقتی ورزش می‌کنم حالم خوب است چون احساس سلامتی می‌کنم».

عکس: مرجان دهقان

دریچه

آیا سفر به ماه حقیقت دارد؟

سازمان فضایی روسیه تصمیم دارد در سال ۲۰۳۰ میلادی انسان به ماه بفرستد. وقتی حرف از سفر به ماه می‌شود پای راست و دروغ بودن ادعای آمریکا در این باره به میان می‌آید. داستان سفر به ماه، حاصل دوران پیچیده بعد از جنگ جهانی دوم است که دو بلوک شرق و غرب به رهبری شوروی و آمریکا برای قدرت‌نمایی به یکدیگر وارد رقابت تنگاتنگ کشف فضا شدند. آمریکا برای عقب نماندن از شوروی برنامه بلندپروازانه سفر انسان به ماه با فضاپیمای آپولو ۱۱ را طراحی کرد. برنامه‌ای که «نیل آرمسترانگ» در ژوئن ۱۹۶۹ میلادی آن را به نتیجه رساند. افرادی از همان ابتدا این ماجراجویی بزرگ بشر را دروغ می‌دانستند و درباره آن شبهه‌های مختلفی را مطرح می‌کردند. تکان خوردن پرچم آمریکا در عکس فرود فضانوردان در ماه یکی از معروف‌ترین شبهه‌ها در این زمینه است در حالی که در ماه باد نمی‌وزد. دانشمندان هم این‌طور به آن پاسخ دادند که یک میله منعطف در بالای پرچم کار گذاشته‌بود که با حرکت دست و بدون هیچ نسیمی تا مدتی می‌لرزید. حالا باید منتظر بمانیم و ببینیم روسیه می‌تواند تصمیم خود را عملی کند یا نه.

منابع: خبرگزاری مهر، وب‌سایت بیگ‌بنگ

چه خبر؟

خالق لوگان و مرد عنکبوتی درگذشت

ابرقهرمان‌ها همیشه برای ما شخصیت‌هایی جالب به حساب می‌آیند که خیلی سخت ممکن است مرگ آن‌ها را تصور کنیم چون آن‌ها همیشه بر شرارت‌ها و بدی‌ها پیروز می‌شوند. حالا اگر همین موضوع را درباره خالق این ابرقهرمان‌ها در نظر بگیریم موضوع اهمیت بیشتری می‌یابد. روز دوشنبه خبر رسید که «استنلی مارتین لیبر» معروف به «استن لی» خالق بسیاری از این ابرقهرمان‌ها در ۹۵ سالگی درگذشت. آقای استن لی، خالق خاطرات بخش زیادی از چندین نسل نوجوان و جوان جهان بود. او نویسنده و ناشر کتاب‌های کمیک خاطره‌انگیزی از جمله شخصیت‌های مرد عنکبوتی، مرد آهنی، هالک، مردان ایکس و چهار شگفت‌انگیز است. ابرقهرمان‌های محبوبی که همچنان بین نوجوانان زیادی طرفدار دارند و اگر کتاب‌های‌شان را هم نخوانده‌باشیم، حتما پویانمایی‌ها و فیلم‌های‌شان را دیده‌ایم.

دستکاری خاطرات امکان‌پذیر شد

دستکاری در حافظه و خاطرات انسان را پیش از این بیشتر در فیلم‌ها و کتاب‌های علمی تخیلی دیده و خوانده‌بودیم اما به‌تازگی دانشمندان به فناوری تحریک کننده‌های عصبی دست یافته‌اند که با کمک آن می‌توانند خاطرات انسان‌ها را دستکاری کنند و حتی خاطرات جدیدی بسازند و وارد مغز انسان کنند. این فناوری قرار است برای موارد پزشکی استفاده شود و به درمان بیماری‌هایی مثل پارکینسون و آلزایمر کمک کند اما پیش‌بینی می‌شود مثل هر فناوری دیگری از این مورد برای اهداف منفی هم استفاده شود. از جمله این که محققان مدعی شده‌اند در صورت پیشرفت و توسعه این فناوری ممکن است هکرها بتوانند خاطرات جعلی در ذهن بسیاری از کاربران یک شهر یا کشور قرار دهند یا یک حادثه سیاسی را از خاطرات ساکنان منطقه‌ای خاص پاک کنند.

منابع: دیجیاتو

معرفی بازی

پارادوکس

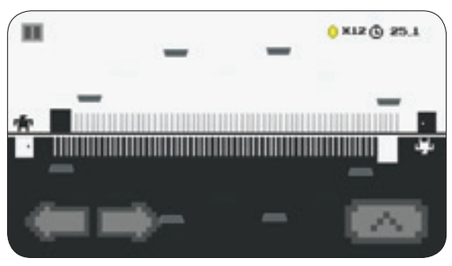

سازنده: IndiePlanet
حجم: ۱۵ مگابایت

این هفته باز هم یک بازی ایرانی به شما معرفی می‌کنیم، پارادوکس؛ بازی دوبعدی خلاقانه ای با گرافیکی ساده و حسابی چالش‌برانگیز. کاری که در این بازی باید انجام بدهید، کنترل کردن همزمان دو شخصیت متناقض و رساندن‌شان به مقصد است، اصلا اسم بازی را به همین دلیل، پارادوکس گذاشته‌اند. دو کاراکتر بازی، خلاف جهت هم حرکت می‌کنند و چالش‌هایی پیش‌روی شما می‌گذارند. برای کنترل آن‌ها، سه راه دارید؛ حرکت به چپ، راست و بالا. وظیفه شما در هر مرحله سالم رساندن هر دو شخصیت به خانه آخر است که چندان هم ساده به نظر نمی‌رسد، چرا؟ چون با کلی مانع مواجه خواهید شد که یا راه‌تان را سد می‌کنند یا باعث مرگ شخصیت‌های‌تان می‌شوند. درست همان لحظه که برای عبور یکی از شخصیت‌ها راه مناسبی پیدا کرده‌اید، شخصیت وارونه دوم به مانعی گیر می‌کند و کار خراب می‌شود. حتما از همین توضیح مختصر متوجه شده‌اید که به پارادوکس نمی‌شود به چشم یک بازی صرفا سرگرم‌کننده نگاه کرد؛ در این بازی مدام شکست خواهید خورد و چاره‌ای ندارید جز عوض کردن راهکار و شروع دوباره و دوباره. اگر وقت و حوصله دست‌وپنجه نرم‌کردن با موقعیت‌های پیچیده را دارید، پارادوکس پیشنهاد خوبی است وگرنه تا معرفی بازی بعدی، منتظر بمانید. بازی برای اندروید ۴ و بالاتر طراحی شده‌است.

دور همی

مهین ساعدی | روزنامه نگار

به نظر من یکی از جالب‌ترین کارهایی که در زندگی می‌توانیم انجام دهیم این است که خودمان را به جای دیگران بگذاریم و با خیال‌پردازی نمونه بهتری از آن‌ها بسازیم. مثلا اگر جای پدرمان بودیم، چطور رفتار می‌کردیم؟ یا اگر پدرمان جای فرزند ما بود، اوضاع چطور پیش می‌رفت؟ دورهمی امروز «جوانه» درباره همین خیال‌پردازی‌های فانتزی است. پیشنهاد می‌کنم همراه ما نظرات جالب دوستانتان را بخوانید.

اگر نقش پدر و پسر عوض شود، چه اتفاقی می‌افتد؟

تصویری از بهترین بابای دنیا

پدر یا رقیب برای شطرنج؟

«عارف بخشیان نیک»، ۱۲ ساله

من اگر پدر باشم، به پسرم هر چقدر پول بخواهد، می‌دهم پشت سر هم به او نمی‌گویم «مسواک بزن! مسواک بزن»! همچنین سعی می‌کردم استادبزرگ شطرنج دنیا شوم تا پسرم با شغل من کلی حس خوب پیدا کند و با مغز متفکرم به او کمک می‌کردم تا راحت‌تر مسائلش را حل کند. جدا از این هر شب وقت می‌گذاشتم و با او بیشتر شطرنج بازی می‌کردم. پدر من واقعا مهربان است و من هم اگر بابا بودم، سعی می‌کردم علاوه بر مهربانی وقت بیشتری صرف بچه‌ها کنم و آن‌ها را بیشتر به پارک و گردش ببرم.

اگر پسر داشته باشم، حتما باید به حرف‌هایم گوش کند. پسر من باید مرد بار بیاید و اصلا لوس و پرتوقع نباشد! شرایط من به عنوان پدر را درک کند. مثلا اگر به او می‌گویم پول ندارم باید متوجه شود و خواسته‌های الکی نداشته باشد. زیبا، باادب و اهل پس‌انداز باشد، نه خرج کردن. بازیگوش و هیجانی باشد اما درس‌هایش را هم بخواند. اصلا دلم نمی‌خواهد فضول و کنجکاو زندگی دیگران باشد!

پدری با یه عالمه وقت اضافه!

«ماهان قدیمی»، ۱۲ ساله

من اگر پدر باشم، مثل بابای خودم و حتی خیلی بیشتر برای بچه‌هایم وقت می‌گذارم ولی خلاف پدرم اصلا با برد تیم مورد علاقه‌ام به پسر عزیزم پَر نمی‌دهم! ولی شور و هیجان و کل کل فوتبالی با پسرم را حفظ می‌کنم چون باعث صمیمیت می‌شود. گاهی بعضی پدرها را می‌بینم که بی‌خیال حال و احوال فرزندشان هستند. من اگر بچه‌ام ناراحت باشد، حتما از او دلجویی می‌کنم. اگر پدر بودم دوست داشتم یک بازیگر خوش‌تیپ و پولدار باشم تا فرزندم با وجود من کلی پز بدهد! من از آن پدرهایی نخواهم بود که به اهداف و علایق بچه‌شان بی‌احترامی می‌کنند و اصلا پسرم را به انجام کاری که دوست ندارد، مجبور نمی‌کردم. فکر می‌کنم ترکیب من و پدرم بشود یک بابای خوب!

اگر پسر داشته باشم، دلم می‌خواهد حرف گوش‌کن و با ذوق و شوق باشد چون از بچه‌های بدون شور و هیجان خوشم نمی‌آید! باید به عنوان پسرم طوری رفتار کند که من پدر بتوانم با او صحبت کنم یعنی لوس و قهر نباشد که نشود با او دو کلمه صحبت کرد. پرتوقع و شر و شیطان هم نباشد و به شرایط پدرش احترام بگذارد. خیلی کنجکاو هم نباشد. مثلا وقتی دید من ناراحت هستم دایم پرس‌وجو نکند! خودم هم به عنوان پدر سعی می‌کنم با ادب و دوست‌داشتنی تربیتش کنم.

بابای پولدار و فوتبالیست

«طاها اعلمی»، ۱۲ ساله

من اگر پدر باشم، بهترین بابای دنیا می‌شوم! هیچ‌وقت به بچه‌ام «نه» نخواهم گفت و هر چیزی را که لازم داشته باشد برایش می‌خرم. به ظاهر و نوع پوشش‌اش ایراد نمی‌گیرم و به اهداف و تصمیم‌هایش احترام می‌گذارم؛ مثلا اگر پسرم به من بگوید می‌خواهد فوتبالیست شود نه تنها خوشحال می‌شوم که برایش یک زمین فوتبال در خانه هم مهیا می‌کنم! موضوع دیگر هم این است که خیلی از بابا‌ها فکر می‌کنند اگر جدی باشند بهتر است در حالی که بچه‌ها پدر شوخ‌طبع را بیشتر دوست دارند. همه بچه‌ها دوست دارند پدرشان پولدارتر و خوش اخلاق‌تر باشد، برای همین سعی می‌کنم ترکیبی از فوتبالیست‌های مورد علاقه‌ام «بوفون»، «علیرضا جهانبخش» و «علیرضا بیرانوند» باشم و به همراه دوستم، شرکتی بزنیم تا پولدارتر شویم.

اگر پسر داشته باشم، باید درباره آرزوهایش با من حرف بزند تا بتوانم درکش کنم. با من صادقانه درباره هر چیزی که در ذهنش وجود دارد صحبت کند تا بتوانم با او تعامل کنم. به عقاید من به عنوان پدر احترام بگذارد، پسر خوبی باشد و اهل کارهای خطرناک مثل ترقه‌بازی نباشد. باادب باشد و در هدف و چیزی که دوست دارد نخبه و بی‌نقص ظاهر شود. هر چند من به عنوان پدر دوست دارم، پسرم درس‌خوان و نخبه‌ریاضی باشد. کنجکاو بودن بچه‌ام را دوست دارم ولی تا زمانی که بی‌ادبی نکند. راستی دوست دارم پسرم شبیه فوتبالیست مورد علاقه‌ام «پائولو دیبالا» باشد!

عکس‌ها: میثم دهقانی

تجربه‌های بندانگشتی

باغچه‌ای درون فنجان!

به این باغچه زیبای درون فنجان نگاه کنید، دلتان نمی‌خواهد یک دست‌سازش را برای خودتان داشته‌باشید؟ اگر پاسخ‌تان مثبت است همین حالا فنجانی را که دیگر قابل استفاده نیست بردارید. اگر قدیمی، رنگ‌ورو رفته یا لب‌پریده باشد هم اشکالی ندارد چون به‌راحتی با کاغذ رنگی می‌توانید نو و زیبایش کنید.

حالا مقداری خاک مناسب کاکتوس و تعدادی ساکولنت و کاکتوس کوچک تهیه کنید. اگر می‌توانید ته فنجان را با دریل سوراخ کنید؛ اگر هم برای‌تان ممکن نیست حتما یادتان باشد بعد از کاشت، آب کمتری به گلدان بدهید. فنجان را تا نیمه از خاک پر کنید. با احتیاط با دستکش یا روزنامه یکی‌یکی

کاکتوس‌ها را به فنجانتان منتقل کنید و با قاشق ذره‌ذره کنارشان خاک بریزید، با انگشت خاک را کمی فشار دهید تا مطمئن شوید کاکتوس‌ها تکان نخواهند خورد.

نکته: هنگام جدا کردن کاکتوس‌ها از گلدان و انتقال آن‌ها به فنجان حتما مراقب باشید که ریشه‌ها آسیب نبینند.

آثار شما

سرور سلیمان‌پور، ۱۶ ساله | عکاس

معمولا خیلی پیش نمی‌آید که این‌طوری آرام باشیم و از تماشای اطراف لذت ببریم. چرا؟ خب به‌خاطر سروصدای بوق ماشین‌ها و شیطنت بچه‌هایی که از ترساندن ما لذت می‌برند و دود و آلودگی. فقط این‌ها نیست؛ قبلا کلی دارودرخت وجود داشت که ما می‌توانستیم خانه‌های‌مان را به کمک شاخ‌وبرگ آن‌ها بسازیم؛ قبلا کلی آدم مهربان هم‌وجود داشت که توی باغچه‌هاوروی لبه‌تراس‌ها برای ما غذا می‌گذاشتند. می‌دانید؟ بعضی‌وقت‌ها فکر می‌کنیم شما دیگر ما را نمی‌بینید.

کمیک

چگونه انتقادکننده و انتقادپذیر خوبی باشیم؟

ایده‌واجرا: محمدپور - مرادی